

تبیین ژئوپلیتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری

عبدالوهاب خوجم لی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

khojamli.vahab@gmail.com

زهره احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

ahmadyz@modares.ac.ir

محمدرضا حافظ نیا (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

hafezn_m@modares.ac.ir

محمدرضا پورجعفر (استاد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

pourja_m@modares.ac.ir

چکیده

کارکردهای ویژه نمادها و نشانه‌ها باعث شده است تا به عنوان ابزاری برای ساخت منظر به کار روند. مکانیسم و فرآیند این ساخت در این پژوهش در چارچوب تبیین مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهری با بررسی ابعاد مفهومی دخیل در این فرآیند به قرار زیر است؛ سرچشمه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری نمادها و نشانه‌ها، ساختار و عوامل و کارکردهای نظام نشانه‌ای شهر، عوامل و شرایط شکل دهنده به منظر ژئوپلیتیک، معیارها و استانداردهای حاکم بر نظام نشانه‌ای شهر، نقش گفتمان‌ها در تغییر نشانه‌ها، عوامل مؤثر در کارکرد (مزایا و کاستی‌های) نمادها و کارکرد (فلسفه)های سیاسی نشانه‌های شهری در چارچوب مدل مفهومی. در واقع عدم کارایی صحیح نظام نشانه‌ای شهرها همواره باعث بروز طیف‌های مختلفی از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی و نارضایتی شهروندان می‌شود. لذا شناخت و تبیین ابعاد مختلف آن از اهمیت اساسی برای مدیریت شهر و نظام حاکم برخوردار است و این مهم، هدف این مقاله است. در این راستا به روش توصیفی-تحلیلی و استنباط منطقی عوامل و مفاهیم مرتبط با عملکرد قدرت و سیاست در فضا و نظام نشانه‌ای شهر تبیین شده و برای مکانیسم عملکردی مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهری مدل ارائه خواهد شد. نتایج این پژوهش مؤید آن است که ژئوپلیتیک منظر معرف فرایندی است که بر مبنای آن، گفتمان مسلط برای کنترل و مدیریت فضای شهر در راستای نظم سیاسی و ژئوپلیتیکی خود به خلق منظرهایی می‌پردازد که در آن، اعمال رقابت برای کنترل فضای شهری تابعی از روابط قدرت، سیاست و فضا است.

کلیدواژه‌ها: نظام نشانه‌ای شهر، نشانه، گفتمان، قدرت، سیاست، ژئوپلیتیک منظر.

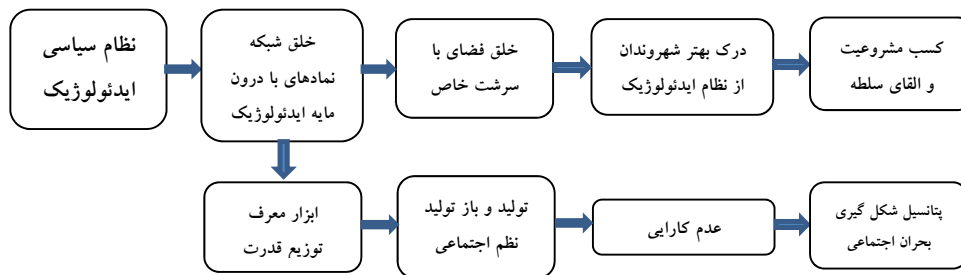
مقدمه

در تاریخ شهر، نشانه‌ها بخش دائمی از چشم انداز بوده‌اند و توزیع نشانه‌ها روی خیابان‌های شهر همیشه پیچیده بوده است (Pecquet, 2001: 1). از آنجایی که چشم انداز مشابه زبان می‌تواند به عنوان یک سیستم بازنمایی عمل کند. نشانه‌ها، مکان‌ها و آیکن‌ها می‌توانند به عنوان یک ژنوسمبل یا آیکن خوانده شده و تفسیر شوند (Czepczyński, 2010; 67). چشم انداز، شبیه به متن نوشته شده، خوانندگان بسیاری دارد و بنابراین می‌تواند در سطوح بسیاری مورد تفسیر قرار گیرد. تفاسیر مختلف نه تنها می‌تواند منجر به منازعات و بحث‌هایی شود بلکه همچنین ممکن است موجب پیشبرد ترقی درک و همزیستی شود (Cohen, 2009: 156). از زمان‌های باستان از قدرت آئینی و شمایی تصاویر نمادین برای تقویت فرمانبرداری مردم از نظام سیاسی استفاده می‌شده است. امپراطور روم آگوستوس برنامه کلی تجدید فرهنگی را بر اساس تصویر بصری ساده از جنگ آکتیوم^۱ بنا نهاد. قبول دین مسیحیت توسط کنستانتین به عنوان مذهب امپراطوری نفوذ نمادگرایی مذهبی را به طور گسترده‌ای قدرتمند ساخت و نمادهای کلیسا را سیاسی نمود (Wydra, 2012: 49). در واقع کسانی که موقعیت‌های سلطه را در فضای اجتماعی اشغال می‌کنند در زمینه تولید نمادین نیز در موقعیت سلطه قرار می‌گیرند (Bourdieu, 1985: 738).

همچنین فضا سازی برای هژمونی فرهنگی و ایدئولوژی‌های مسلط به همان اندازه چیزی که ما اعمال سلطه می‌نامیم، مهم هستند (Benko and Strohmayer, 1997: 189). مؤسسات سیاسی، احزاب و اشخاص هر دوی فضای فیزیکی و ذهنی را برای تاکید و گسترش ایدئولوژی، قدرت و هویت خود یا به عبارت دیگر برای ایجاد «فرهنگ سیاسی رسمی» خودشان بکار می‌گیرند. این کشمکش بر سر قدرت در فضا اتفاق می‌افتد که نه تنها به عنوان یک پس زمینه مجهول عمل می‌کند بلکه بالاتر از همه اینها از طریق نخبگان سیاسی یک نقش فعال به آن اختصاص داده می‌شود (Vannieuwenhuyze, 2014;). نگاهی به ورودی تصمیمات فرهنگی - سیاسی شهر خصوصیات جمعی و پویایی مبارزات سیاسی را برای استقرار سهمی از دید در میان بسیاری از معانی رقابتی و جدلی فرهنگ شهری آشکار می‌کند (De Frantz, 2005: 82). همواره تمایل قوی برای نشان دادن و اعمال قدرت روی مردم و چشم اندازها وجود دارد. این تمایل در هر سیستم سیاسی وجود دارد. قدرت عملاً برای تأثیر بر روی هر جنبه‌ای از زندگی اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد که مادی شده و قابل دید گردد، بطوری که هیچ شخصی در اینکه چه کسی قدرت را

1 Actium War

در دست دارد، تردید نکند (Czeczynski, 2010: 69). اهمیت نیاز به دیده شدن قدرت در فضای شهر که برای مشروعیت وجودش و توجیه نحوه عملکردش و تسهیل در اعمال قدرت و اداره جامعه ضروری می‌باشد در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱- رابطه نظام سیاسی ایدئولوژیک و خلق چشم انداز

در ابعاد رسمی مدیریت فرآیند کاربرد نمادها و نشانه‌ها، پیش از هر چیز نیازمند فراهم شدن این زمینه‌های مقدماتی است؛

۱- تدوین یا شفاف سازی استراتژی سازمان (موسسه و نهاد)، بر اساس اسناد بالادستی و همچنین «مأموریت» و «چشم انداز» سازمان، استراتژی سازمان توسط مدیران عالی و ارشد تدوین می‌شود یا در صورتی که این کار پیش از این انجام شده، استراتژی به طور شفاف مشخص می‌شود؛

۲- بر اساس این استراتژی، درباره نمادها و نشانه‌ها سیاستگذاری می‌شود؛

۳- نتیجه این سیاستگذاری در قالب آئین نامه‌ها، مقررات و دستورالعمل‌ها، برای سازماندهی و اجرا به مدیران میانی و مدیران فنی-اجرایی ابلاغ می‌شود (داورپناه، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

امروزه با توجه به شهرنشینی روزافزون بشر متمدن و استقرار اکثر نهادهای مرتبط با ادراه زندگی بشر در شهرها، عمده نمادها و نشانه‌های مرتبط با امور مختلف نیز در مناظر و چشم اندازهای همین شهرها تبلور یافته‌اند. از آنجا که منظر شهری به عنوان بخشی از فضای شهر از موضوعات مورد توجه ژئوپلیتیک

است و در قالب ارتباط قدرت و سیاست با نظام نشانه‌های شهر آ و نشانه‌ها و نمادها معنا پیدا می‌کند. لذا این مقاله معتقد است که نظام نشانه‌ای شهر، نشانه‌ها و نمادها، به طور ظریفی از عامل‌های قدرت و سیاست متأثر می‌شوند و بعضاً دارای معانی خاص در جهت اهداف بازیگران غالب شهری می‌گردند؛ به طوری که به میدان رقابت میان آنها تبدیل شده و همانطور که جرومه مونتیه^۳ (2010) بیان می‌کند از طریق آنها می‌توان گسل قدرت و جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود در شهر را شناسایی کرد.

در واقع عدم کارایی صحیح نظام نشانه‌ای شهرها همواره باعث بروز طیف‌های مختلفی از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی و نارضایتی شهروندان بوده است. لذا شناخت ابعاد مختلف نظام نشانه‌ای شهر و نحوه شکل‌گیری آن از اهمیتی راهبردی برای مدیریت شهر و نظام حاکم برخوردار است. همه این روابط میان قدرت و سیاست با نشانه‌ها و نمادهای شهری یا منظر شهر که از سوی گروه‌ها و بازیگران مختلف رسمی و غیر رسمی فضای شهری در راستای حفظ کنترل بر اذهان شهروندان دنبال می‌شود این ضرورت را فراهم می‌نماید تا ابعاد ساخت منظر ژئوپلیتیک مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد که هدف این مقاله نیز همان است.

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و استنباط منطقی عوامل و مفاهیم مرتبط با عملکرد قدرت و سیاست در فضا و نظام نشانه‌ای شهر به دنبال تبیین و مدل‌سازی برای مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهری است.

پیشینه

مبانی اساسی منتهی به مفهوم «ژئوپلیتیک منظر» را می‌توان در اندیشه‌ها و نظریه‌های اندیشمندانی چون فوکو، بودریو و لوفور یافت. در دیدگاه‌های میشل فوکو تأکید بر این است که رابطه‌ای تعاملی بین متن و زمینه وجود دارد. همچنین رابطه تعاملی و دیالکتیکی بین «گفتمان، قدرت، دانش و حقیقت» وجود دارد. مهم‌ترین دستاورد فوکو را می‌توان تحلیل روابط قدرت و دانش دانست. در تحلیل گفتمان مجموعه اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌های کلی

۲ همه شهرها از نظام نشانه‌ای برخوردار نیستند و از نواقص طرح‌های جامع شهری فعلی عدم پرداختن به این موضوع است. اما تعریف نظام نشانه‌ای همچون دیگر نظام‌های سیاسی و اقتصادی شهری از الزامات سازماندهی فضای شهرها قلمداد می‌شود.

نگریسته می شود (صالحی زاده، ۱۳۹۰؛ ۱۲۳). لوفور فضای اجتماعی را شامل سه بعد دانسته است؛ (۱) "جریان‌های فیزیکی و مادی؛ انتقال‌ها و تعاملاتی که در سرتاسر فضا اتفاق می‌افتد نظیر راهی مربوط به اطمینان کردن به تولید (سرمایه داری) و بازتولید اجتماعی"؛ (۲) بازنمایی مفاهیم فضایی فضا، دانش و گفتمان ایجاد شده توسط معمارها، دانشمندان، برنامه ریزان، توسعه دهندگان و تکنوکرات‌ها که معانی یا امکاناتی را برای اعمال فضایی پیشنهاد می‌کنند؛ (۳) فضای بازنمایی-نشانه فضایی یا "نشانه‌ها، دلالت‌ها (مفاهیم)، رمزها ... که به چنین اعمال مادی اجازه می‌دهند تا در موردشان حرف زده شده و فهمیده شوند. لوفور مدعی است که بورژوازی و مخلوق سیاسی آن یعنی حکومت، فضای شهری را تولید کرده و برای خود برداشته و سپس از آن به عنوان مهم‌ترین سلاح ایدئولوژیک قدرت استفاده کرده است (Jacobs, 2008: 26). از دید لوفور، شهر و تصاویر آن مانند سیستم نمادها و نشانه‌های شهر تولید شده‌اند (یک محصول می‌باشند) ... و در درون چارچوب کارکردی، تصویر شده و ایدئولوژیک، نیروهای فعال در عرصه شهر به کار مداوم رمزگذاری، رمزگشایی و رمزگذاری مجدد سیستم نشانه‌های شهری مشغول‌اند (Stahl, 2009: 255).

بودریو نظام اجتماعی را یک نظام نمادین می‌نامد که سیستم‌هایی از ساختار ذهنی، سیستم‌های طبقاتی یا اصول سلسله مراتبی هستند. این نظام نمادین کارکرد سیاسی خودشان را به انجام می‌رسانند، همانند ابزاری که "کمک می‌کند مطمئن شویم که یک طبقه بر دیگر طبقات از طریق به دست آوردن قدرت متمایز خودشان مسلط است (خسونت نمادین) و تضمین کننده روابط قدرتی که آنها زمینه چینی کرده‌اند (Santrauka, 2002: 118).

کنس فوت^۴ و ماوز آزاریا^۵ (در دهه ۲۰۰۰) مطالبی با نام «جغرافیای حافظه^۶» منتشر کردند که از شاخه‌های هم‌گرای مختلف جغرافیایی کمک گرفته است؛ در توضیح «جغرافیای حافظه» هر دو نویسنده گفته‌اند که- محل تاریخ و بازنمایی‌هایش در فضا و چشم انداز را معین می‌کند. در مقابل مطالعات جغرافیای حافظه، بعضی مطالعات عهده دار مطالعه چشم‌اندازهای غیر یادبودی و چشم‌اندازهای غیر هژمونیک و دیگر شکل‌های فضایی حافظه و هویت‌های ملی در حاشیه قرار گرفته شده هستند. بعضی نویسندگان آنها را «مکان‌های مخالف حافظه» یا «مکان‌های ضدحافظه» نامیده‌اند، مکان‌هایی که تشکیل می

4 Kenneth Foote

5 Maoz Azaryahu

6 The Geography Of Memory

شوند و جاهایی که مرتبط با حافظه قربانیان و شکست خورده‌ها و گروه‌های شکست خورده در برابر حافظه رسمی هستند. در همین راستا، دیگر مطالعات آنها نشان دهنده توجه به «فضاهای حافظه نجات یافته» هستند که یک اظهار نظر ابداع شده توسط استفان لگ^۷ است، مکان‌هایی که بخشی از یک شهر یا کشور هستند که سنت‌ها، ارزش‌ها و اشکال زندگی با انطباق بیشتر با گذشته را حفظ می‌کند و از فضاهایی که به طور رسمی کنترل می‌شوند، فاصله دارد (Alvarez, 2009: 407-408).

جرومه مونته (۲۰۰۶)، در مقاله ای با عنوان «ژئوپلیتیک دیبا: آیکون‌های شهری در مکزیکوسیتی معاصر» به تغییرات توپوگرافیک و منظرهای شهر مکزیکوسیتی از دوران آرتک تا اوایل قرن بیست و یکم پرداخته است از نظر او آیکون‌های شهری به طور واضحی بخشی از مجموعه ارتباطات هستند که زندگی اجتماعی را پی‌ریزی می‌کنند. همچنین این آیکون‌ها روابط قدرت عریان بین بازیگران مختلف اجتماعی - فضایی را آشکار می‌کنند. از نظر او تولید و چرخش آیکون‌ها مقدار و میزانی را که هر بازیگر آزاد است تا منافع خودش را تقویت کند نشان می‌دهد. همچنین به ما این امکان را می‌دهد تا نقشه قدرت و خطوط گسل و شکافی را ترسیم کنیم که آینده جامعه شهری را مشخص می‌کند (Monnet, 2006, 16-17). همچنین ایریت آمیت کوهن^۸ در مقاله سال ۲۰۰۹ با عنوان «چشم انداز مورد منازعه و روح مکان: نمونه‌ی درختان زیتون و هم‌سایگی شهری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین»^۹ به موضوع منازعه و رقابت دو فرهنگ صهیونیست یهودی و عرب مسلمان بر سر میراث فرهنگی و چشم انداز بیت المقدس و بازنمایی‌ها و آثار این رقابت در چشم انداز پرداخته است.

در دهه‌های گذشته، درون جغرافیای فرهنگی و رشته‌های مرتبط نظیر تاریخ هنر علاقه‌ای مداوم به بررسی انتقادی تصاویر بصری وجود داشته است. واژه «آیکونوگرافی ژئوپلیتیکی» به منظور برجسته کردن علاقه به آیکون‌ها و نمادها بکار رفته به وسیله استیو بل^{۱۰} برای بازنمایی رویدادهای سیاسی بین‌المللی نظیر بحران بوسنی ابداع شده است (Ó Tuathail and Dalby, 2002:171). همچنین ژیروید اوتوتایل در قالب گفت‌وگو ژئوپلیتیک انتقادی «مدل ژئوپلیتیک به عنوان دانش/قدرت» را ارائه می‌دهد که در آن به کلی ارزش‌های القاء شده سازمان‌ها، حاکمان و نخبگان را به دیده شک می‌نگرد (ÓTuathail and Others,

7 Stephan Legg

8 Irit Amit-Cohen

9 Contested Landscape And Spirit Of Place: The Case Of The Olive Trees And An Urban Neighborhood In Israel

10 Steve Bell

(8: 2003 از مفاهیم پیشرفته‌تر در این رابطه تشریح مفهوم «تصویرسازی ژئوپلیتیک» از طرف محمدرضا حافظ نیا (۲۰۱۴) است یا تصویرسازی ژئوپلیتیک و القاء تصاویر معماری شده از مکان، فضای جغرافیایی و سپهر اجتماعی آن به شهروندان: در فرآیند تصویرسازی ژئوپلیتیک، تولید تصاویر معماری شده و به تعبیر دیگر، تصاویر جعلی و القاء کننده آنها به ذهن شهروندان و پذیراندن آنها و سرانجام مشروعیت و مقبولیت یافتن کنش بازیگران سیاسی در فضا و مکان جغرافیایی، نقش ر سانه‌ها و هنرمندان بسیار مهم است (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۶۸).

چارچوب مفهومی

قدرت، سیاست و منظر شهری

چشم انداز فرهنگی شهر بیان فیزیکی و فکری خیلی بی پروا از روابط قدرت بین یک گروه با گروه‌های دیگر است. قدرت، کنترل و مقاومت هسته کانونی در گفتمان‌های درباره چشم انداز فرهنگی هستند و همیشه این گفتمان‌ها و فرایندها در دوران گذار خیلی فعال و قابل دید می‌شوند. قدرت روی چشم اندازها معمولاً از خوش منظره‌ترین، با ثبات‌ترین، قابل درک ترین و دیدنی‌ترین راه‌ها نمایانده می‌شود. حکمرانی و فرمانروایی بر چشم‌انداز در هر دو بخش فرم‌ها و کارکرد و به ویژه معانی و مفاهیم یکی از اولویت‌های قدرت است. نیاز حکمرانان به نشان دادن حقوق، قدرت، کنترل و به همان اندازه برتری و امتیازاتشان برجسته است و به طور معمول در پروژه‌های چشم انداز فرهنگی بزرگ این نیازها بر طرف می‌شوند (Czeczynski, 2008: 47). در واقع چشم انداز فرهنگی یک پروژه سیاسی است. این ترکیب یا نسخه خطی با قابلیت پاک شدن و دوباره نویسی منحصر به فرد نشان دهنده و باز ساخت کننده روابط قدرت است که از طریق سیستم نشانه‌ها انجام می‌شود و روی تعداد بسیار زیادی لایه شامل لایه‌های زیبایی، سیاسی، قومی، اقتصادی، زیرساخت‌ها، قانونی و بسیاری لایه‌های دیگر نوشته شده است. قلمرو حاصل از فرم‌ها، کارکردها و معانی چشم انداز فرهنگی، قلمرو روابط و اتصالات از قدرت است. حک کردن و کنترل مکان‌ها درون قلمرو برای تسلط و سلطه انجام می‌شود. کنترل زمین و واسطه ارتباط قدرت بین مردم و ملت است (Ibid: 48). شکل‌های مختلف قدرت-زور، تهدید و اجبار، سلطه، دستکاری، فتنه انگیزی و اقتدار- به طور اجتناب ناپذیری به وسیله فرم و فضای شهری نشان داده می‌شوند اما این شکل‌های مختلف قدرت به طور کامل و بی‌رقیب در فرم شهری قرار داده نشده‌اند. طرف دیگر سکه قدرت - توانمندسازی، اختیار، رهایی آزادی و مقاومت- نیز توسط فرم شهر نشان داده می‌شوند، اگر

چه کاملاً توسط فرم شهر تولید می‌شوند ولی ضمانت شده نیستند (Dovey, 2001; 266). همیشه سرمایه‌گذاران/تصمیم‌سازان فرآیند تغییر شکل چشم انداز را شروع می‌کنند. قدرت سیاسی و/یا اقتصادی‌شان آن‌ها را قادر می‌سازد تا تصمیم‌گیری در مورد شکل‌های جدید از چشم انداز فرهنگی را شروع کنند (Czepczynski, 2008: 48). در اینجا هدف عمده سیاست و بازیگران سیاسی در فضای شهر تسلط بر مکانیسم‌ها و ابزار تولید و خلق معانی می‌باشد که هدف غایی آن تعیین هویت فضای شهری در جهت کسب و حفظ منافع و مشروعیت حکمرانی و تعیین کاربری فضا است. در بعد سیاست در فضای شهر با دو بخش سیاست رسمی و غیر رسمی روبرو هستیم. منظور ما از قدرت و سیاست در مفهوم ژئوپلیتیک منظر عبارت است از؛

قدرت و سیاست خلق، تولید و نهادینه کردن نمادها؛ اعمال تغییر در نمادها و نشانه‌های شهری؛ برجسته کردن آنها؛ تغییر مکان و جابجایی نمادها و نشانه‌ها؛ تخریب و حذف نمادها و نشانه‌ها؛ پنهان کردن نشانه‌ها؛ تسلط و اعمال نفوذ بر نهادهای تصمیم‌ساز در نظام نشانه‌ای شهرها؛ دارا بودن قدرت نرم و فناوری نرم در راستای نهادینه کردن نظام نشانه‌ای دلخواه در فضای شهری (قدرت ایدئولوژیک و نظری)؛ قدرت و سیاست خلق هویت شهری همسو با اهداف و پیشبرد خشونت نمادین و ...

مایکل^{۱۱} (۲۰۰۰: ۱۰۹) ارتباط بین قدرت و مناظر شهری را توسعه می‌دهد وقتی که او خاطر نشان می‌کند که «مناظر ... الحاق‌هایی از قدرت هستند ... آن‌ها ساخته شده‌اند تا نشان دهند که چه کسانی قدرت را در دست دارند ... همچنین برای تقویت آن، قدرت سمبل‌های محکم، ثابت و بی‌امان از آن را ایجاد می‌کنند.» بنابراین در بحث مایکل (2000) مناظر، جنبه ایدئولوژیکی دارند (Mitchell, 2000: 100).

وردری^{۱۲} (1999: 39-40) اظهار می‌کند؛

"... در میان معمول‌ترین روش‌هایی که رژیم‌های سیاسی فضا را علامتگذاری می‌کنند قرار دادن مجسمه‌های ویژه در مکان‌های ویژه و نامگذاری مجدد نشانه‌هایی نظیر خیابان‌ها، میدان‌های عمومی و ساختمان‌ها هستند. این‌ها محیط مرئی را برای مناظر فراهم می‌آورند و آنها را اجتماعی می‌کنند و آنها را به ارزش‌های سیاسی ویژه آغشته می‌کنند..." (Light and young, 2010: 6). ساختار غول‌پیکر بناهای یادبودی همیشه بیان‌کننده ایدئولوژی هستند، این یادبودها تنها عناصر دکوری برای زیبا سازی منظره شهر

11 Mitchell

12 Verdery

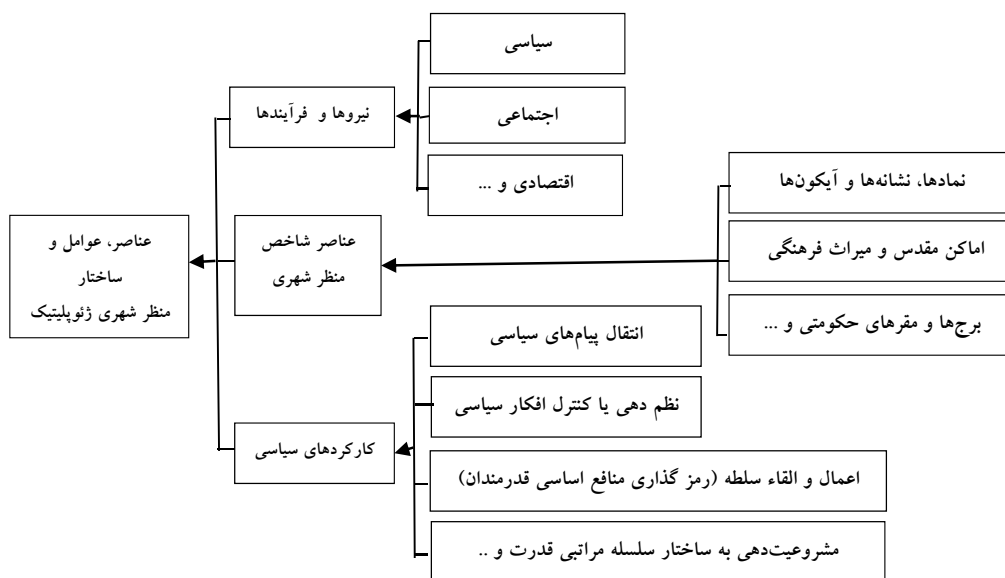
نیستند. آن‌ها بعضی جنبه‌های تاریخی را بیان می‌کنند اما از دیدگاه شخصی یا نهادی که در ساخت آن بنا سرمایه‌گذاری کرده است (Ashfaq, 2013; 14). لذا در اکثر مواقع، با ترمیم و نو سازی محیط شهری، نصب مجسمه‌های عمومی و نامگذاری خیابان خوب شهر، شوراها و شهر بعدی تلاش می‌کنند تا هر کدام از طریق راه و روش خود شان فضای مادی و غیر مادی شهر را ادعا کنند (Vannieuwenhuyze, 2014; 2).

با توجه به همه فرآیندهای فوق‌الذکر از لحاظ چارچوب مفهومی، مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهر به بحث کارکردهای نمادها و نشانه‌های شهر و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن تا جایی که به بحث قدرت و سیاست در فضای شهر مربوط می‌شود، توجه می‌کند. بحث ماهیت چشم انداز که تنها یک منظره خشتی نبوده و همانند یک متن قابل خوانش است و دارای معانی هدفدار می‌باشد و از خاصیت ابزاری-رسانه‌ای برخوردار است. همچنین به نیروها و عوامل متنوعی چون بازیگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گفتمان‌هایشان می‌پردازد که در سطوح مختلف در شکل‌گیری و تغییر منظر شهری دخالت دارند و طیف وسیعی از عوامل و عناصر از منشأهای محلی تا ملی و فراملی را شامل می‌گردند. به انواع مختلف نشانه‌ها و نمادهای حاضر در منظرهای شهری چون بناها و برج‌های یادبودی، مجسمه‌ها و آیکونها و نقاشی‌های دیواری می‌پردازد که چگونه توسط بازیگران شهری و سیاستمداران و در راستای اهداف آنها ساخته شده و یا حذف می‌شوند و از کارکردهای وسیع سیاسی برخوردار بوده و عوامل مؤثر در کارکردهایشان همچون ایدئولوژی نظام سیاسی، ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی ملت‌ها و ... آن‌ها نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین به معیارها و استانداردهایی که یک نشانه بر اساس آن در فضای شهری ساخته شده یا حذف می‌گردد و نیز فلسفه بکارگیری این نشانه‌ها و نمادها یا فلسفه ساخت منظرهای شهری عمده که یک نماد اصلی در آن نقش بارزی دارد می‌پردازد. مطمئناً با توجه به پیچیدگی فرآیندهای حاکم بر فضای شهری این فرآیند شناختی ساده نبوده و عوامل و متغیرهای دخیل فراوانی چون کارکردهای عمومی و زیبایی شناختی نمادها یا جناح‌ها و احزاب در قدرت وجود خواهند داشت که نظام نمادسازی و نشانه‌ای شهر را در راستای اهداف و منافع خود تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند زمینه تغییرات مقطعی یا موضعی را فراهم کنند.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل پژوهش

عناصر و ساختار منظر شهری ژئوپلیتیک

برای تبیین مفهوم ژئوپلیتیک منظر می‌توان ساختار منظرهای شهری را به سه دسته از عناصر و عوامل طبقه‌بندی کرد که هر کدام بین خود و با عوامل و عناصر درون خود روابط متقابل دارند و به اجزای مختلف نیز تقسیم می‌شوند.



شکل ۲- عناصر و ساختار منظر شهری ژئوپلیتیک

در میان بازیگران مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فضای شهر، بازیگران سیاسی نقش محوری و غالب را در خلق و تغییر نمادها و نشانه‌ها و منظرهای شهری بر عهده دارند و این کار را به صورت آگاهانه‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهند زیرا که همواره نهادها و ابزارهای شکل دهنده به مناظر شهری در اختیار بازیگران سیاسی رسمی چون دولت‌ها و شهرداری‌ها قرار دارد. بازیگران سیاسی همواره از ایدئولوژی سیاسی حاکم و پارادایم غالب اجتماعی متأثر هستند و در طیف‌های مختلف قرار می‌گیرند. از جمله؛ بازیگران دولتی یا نهادی-تشکیلاتی چون شهرداری‌ها که با توجه به قوانین اساسی کشورها از اختیارات عمده در ساخت و تغییر مناظر شهری برخوردارند و در قالب پروژه‌های ساخت و ساز

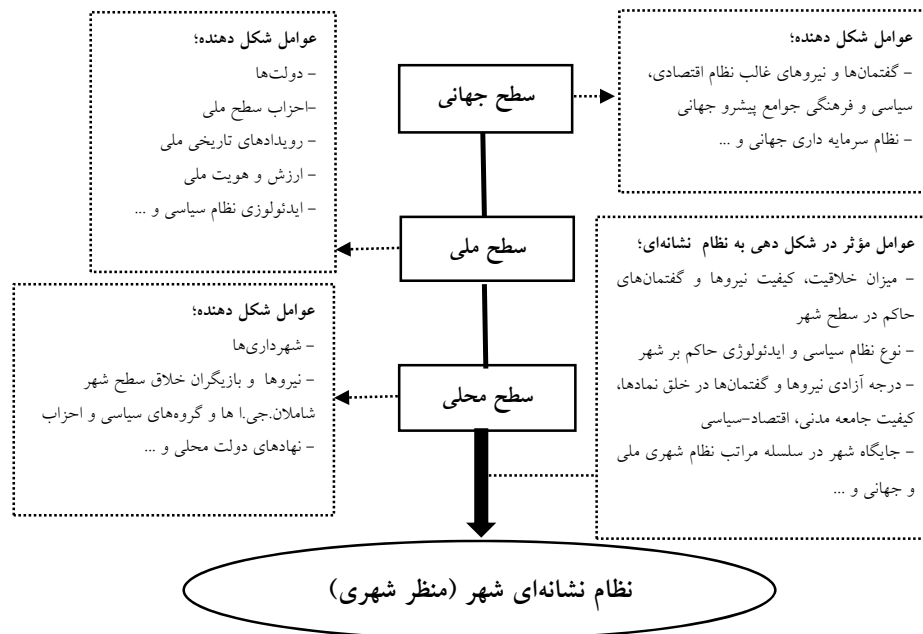
برنامه‌ریزی شده و هدف دار این کار را انجام می‌دهند. دوم جناح‌های قدرت در داخل نظام سیاسی که از طریق نفوذ در سازمان‌ها و نهادهای رسمی سعی در ساخت مناظر شهری هم راستا با اهداف سیاسی خود دارند. در این زمینه جغرافیای قدرت ظرفیت زیادی برای تحلیل این فرآیندهای عمدتاً پنهان دارد. مناظر عمده شهری و طرح‌های کلان ساخت و ساز و ساخت نمادهای ویژه که از نمایانی و خوانایی زیادی برخوردارند عمدتاً توسط بازیگران سیاسی رسمی جهت‌دهی می‌شوند که در راستای ایدئولوژی حکومت حاکم نیز قرار دارد. در این راستا چند سطح ساختاری وجود دارد؛ کلیت و رأس دستگاه حکومتی که تعیین‌کننده اولویت‌ها و ارزش‌ها است، دولت و ادارات و سازمانهای مربوطه که مجری خواسته دستگاه حکومتی و گروه حاکم است و شهرداری‌ها و نهادهای مردمی که طیف دیگری از خواسته‌ها و ارزش‌ها را اعمال می‌کنند.

سرچشمه‌های شکل‌گیری منظرهای شهری

منابع و سرچشمه‌های شکل‌گیری منظرهای شهری بسیار متنوع است و از سطح محلی و خود شهر شروع شده و سطوح ملی و جهانی را نیز در بر می‌گیرد که فرآیند ساخته شدن آنها در کالبد شهر از کاتالیزورها، آنالیزورها و فیلترهای مختلفی همچون گفتمان غالب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهر، ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم و قوانین رسمی می‌گذرد و در مواردی نیز با توجه به ماهیت پیچیده این نمادها و نشانه‌ها قابلیت دور زدن این فرآیندها را دارند. البته اینها به مکان شهر در سلسله مراتب نظام شهری سطح محلی، ملی و جهانی و نقش سیاسی-اقتصادی که شهر بر عهده دارد بستگی دارد.

علاوه بر اینها میزان آیکون‌زایی و نمادزایی و میزان گردش آیکون‌ها و نمادهای شهری و درجه آزادی آنها در این امر بستگی به میزان قدرت نیروها و نهادهایی دارد که دست اندر کار ساخت این فرآیند هستند به طوری که هر چه این نیروها از لحاظ ایدئولوژیکی و سیاسی به ایدئولوژی نظام سیاسی نزدیک‌تر باشند در ساخت و گردش نمادها و آیکون‌ها موثرتر هستند.

در شکل‌گیری نمادها و نشانه‌های شهری همیشه ساخت فیزیکی زیبایی شناسانه نشانه‌ها و منظر شهری منظور نیست بلکه فرآیندهای نمادسازی به گونه‌ای است که می‌توان از طریق ساخت یک گفتمان خاص به بعضی از اشکال و بناهایی که در شرایط عادی معمولی هستند خاصیت نمادین و نشانه‌ای داد و یا حداقل میزان برجسته بودن یک مکان را در نظام نشانه‌ای یک شهر نسبت به بخش‌هایی دیگر نظام نشانه‌ای تقویت نمود.



شکل ۳- سرچشمه‌های شکل‌گیری منظرهای شهری

در اینجا نیاز است تا به سطوح محلی، ملی و جهانی سرچشمه‌گیری نشانه‌ها و نمادها که منجر به شکل‌گیری مناظر نمادین که بازنمایی‌کننده نیروها یا گفتمان‌های خاص در سطوح شهرها هستند اشاره شود؛

سطح محلی

در سطح محلی شکل‌گیری نشانه‌های شهری همانند دیگر سطوح وابسته به عوامل زیادی است که به میزان خلاقیت، کیفیت نیروها و گفتمان‌های حاکم در سطح شهر و نوع نظام سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر شهر و درجه آزادی نیروها و گفتمان‌ها در خلق نمادها، کیفیت جامعه مدنی، اقتصاد-سیاسی و ... وابسته است. لذا هرچه شهرها بزرگتر باشند یا از لحاظ سیاسی مثلاً پایتخت یک کشور باشند خلق نمادها نیز در آنها معنا دارتر و محتمل‌تر خواهد بود. برای مثال بناها و مجسمه‌های با شکوهی که فرمانروایان و حاکمان در کانون سیاسی خود برای ابراز قدرت و اقتدار می‌سازند و یا مراسم خاصی که در سالگردهای خاص در

یک مکان خاص همچون حسینیه‌های بزرگ تهران در زمان قاجار ساخته شده بودند و یا آیگون‌ها و تصاویر تولیدی با اهداف سیاسی که توسط جناح‌های قدرت و شهرداری‌ها برای القاء سیاست‌های خاص به طور موقت در سطح شهر نصب می‌گردند نمونه‌هایی از ساخت نمادها و نشانه‌های شهری در سطح محلی است که نیروهای محلی بیشترین نقش را در معنا دهی و رمز گذاری به آنها دارند.

سطح ملی

سطح ملی تولید نمادها و نشانه‌های شهری مهمترین سطح تولید نشانه‌ها در کشورهای مختلف به شمار می‌رود به ویژه در کانون‌های سیاسی کشورها، به طوری که در کانون سیاسی کشورهای به ویژه با نظام متمرکز کلیه نمادها و نشانه‌های ملی سطح کشور جمع آوری می‌شود تا هر چه بیشتر بر حس وحدت ملی تاکید گردد. نهادهای اداره کننده شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها برای آرایش منظرهای شهری خود از کلیه نمادهای تاریخی، قهرمانان ملی و حوادث تاریخی و منابع عقیدتی که ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم را تقویت کرده و مشروعیت می‌دهد، استفاده می‌کنند. برای مثال در شهر عشق آباد پایتخت کشور ترکمنستان به طور گسترده‌ای از مجسمه‌های شخصیت‌های تاریخی و افسانه‌ای کشور چون مجسمه اغوزخان جد ترکمن‌ها، مجسمه سلطان سنجر و طغرل از سلاطین سلجوقی و نمادها و شمایل بازنمایی کننده اعتقادات ملی ترکمن‌ها استفاده شده است به طوری که حتی ساختمان صدا و سیمای ترکمنستان که ترویج کننده آداب و رسوم و فرهنگ ملی ترکمن‌ها است به شکل یک ستاره هشت پر بزرگ ساخته شده است که نمادی از نشان تاریخی و ملی ترکمن‌های باستان است.

نمادهای سرچشمه گرفته شده از سطح ملی به طور گسترده‌ای در همه شهرهای کشورها ساخته می‌شوند چرا که خاصیت وحدت بخش دارند و ماهیت ملی آن رمزگشایی آن را برای همه شهروندان کشور آسان می‌کند و احساس ملی گرایی و وحدت را تقویت می‌کند، برای مثال مجسمه‌ها و آیگون‌ها و تصاویر مربوط به شهدای هشت سال جنگ تحمیلی در ایران در اکثر شهرهای کشور به چشم می‌خورد که به عنوان یک نماد ملی قدرتمند و خوانا عمل می‌کند.

سطح جهانی یا فراملی

با ورود بشر متمدن به عصر مدرن و شدت گرفتن فرآیندهای جهانی شدن و جهانی سازی و فشرده‌گی هر چه بیشتر زمان و فضا که ارتباطات گسترده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای جوامع گوناگون فراهم آورده است، نمادها و نشانه‌ها نیز به همان نسبت، امکان پخش یافته‌اند به طوری که

نشانه‌های گفتمان‌ها و نیروهای غالب نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع پیشرو به طور گسترده‌ایی در سرتا سر جهان نمود یافته است و هر روز نیز نماد جدید به وجود می‌آید. امروزه آسمان خراش‌های مرتفع در شهرهایی که به طور وسیعی در متن جریانات فضایی مالی و تجاری جهان قرار دارند امر عادی شده است. کشورهای مختلف برای بازنمایی قدرت تجاری و مالی خود شروع به ساخت برج‌های چندین صد متری کرده‌اند، برج خلیفه در شهر دوی امارات متحده عربی و برج شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی که بالای هزار متر ارتفاع خواهد داشت نمودی از این فرایندها هستند.

از شکل‌گیری کالبد شهرهای جدید بر اساس کارکردهای نظام سرمایه‌داری گرفته تا نوع پوشاک و چینش مغازه‌های تجاری شهر و علائم راهنمایی و رانندگی و ... نمونه‌های رایج نفوذ نمادهای سطح جهانی به قلمرو ملی و شهرهای کشورهای مختلف جهان است که نشان از متأثر شدن گسترده نظام نشانه‌های شهری از سطح جهانی شکل‌گیری نمادها دارد که با توجه به عمومیت آن شهروندان به طور ناخودآگاه گرفتار در هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آنها می‌شوند.

به طور کلی همه نمادها و نشانه‌هایی که سرچشمه فراملی داشته و در نظام نشانه‌ها و نمادهای شهری جای گرفته و باعث خلق منظرهای شهری با معانی خاص گردیده‌اند در طیف نمادها با منشأ شکل‌گیری سطح جهانی به شمار می‌روند. همه اینها همانطور که گفته شد متأثر از ایدئولوژی نظام حاکم، میزان باز یا بسته بودن نظام سیاسی و گفتمان غالب در اقتصاد و جوامع کشورها و ... خواهد بود.

عوامل و فرآیندهای شکل دهنده به منظر ژئوپلیتیک

عوامل چندی برای شکل گرفتن منظر ژئوپلیتیک لازم است. از جمله؛

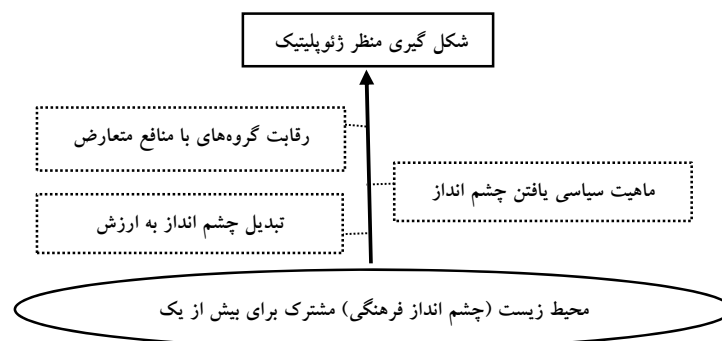
- محیط زیست مشترک برای بیشتر از یک گروه فرهنگی یا گروه هم منفعت که در آن هر گروه چشم انداز فرهنگی نمادین جدای خودش را دارد. در نتیجه هر گروه دارای قلمرو چشم‌اندازهای نمادین می‌شود.

- وجود محیط زیست که شامل یک چشم انداز فرهنگی مشترک برای گروه‌های چندگانه می‌باشد اما هر گروهی هدف، معنا و اهمیت متفاوتی را از آن استناد می‌کند (Cohen, 2009: 150).

- ماهیت سیاسی یافتن منظرها و نمادهای شهری

- وجود گروه‌ها؛ احزاب و جناح‌های سیاسی قدرتمند که به دنبال تصرف این منظرها و نمادها بوده و از این منظرها در جهت مشروعیت دهی به اهداف و شکست دادن و در حاشیه قرار دادن رقیبان خود استفاده کنند.

وقتی بر سر محیطی مجادله و رقابت وجود دارد یا وقتی که جنگ بین دو گروه وجود داشته باشد هر گروه مدعی مالکیت منطقه می‌شود و در پی آن منازعه و جنگ بین آیکون‌های مختلف گروه به وقوع می‌پیوندد. در صورتی که یک گروه کنترل منطقه مورد منازعه را در دست بگیرد ممکن است نتیجه آن حذف نمادها و آیکون‌های گروه از قلمرو مورد منازعه باشد (Cohen, 2009: 150).



شکل ۴- فرآیند شکل‌گیری منظر شهری ژئوپلیتیک

منظر ژئوپلیتیک ساخته شده ایستا نبوده و به وسیله وقایع تاریخی، شخصیت‌های بانفوذ، خصوصیات مذهبی و ملی و اثرات و تمایلات به روز متحول شده و شکل داده می‌شود. نگرش عاطفی به مکان‌ها و چشم اندازها می‌تواند از طریق آموزش جهت‌دهی شده توسط رهبران ملی و اشخاص علاقه‌مند تقویت شود. همانطور که گاتمن (۱۹۵۲) ادعا می‌کند عوامل تاریخی و آیکونوگرافی محلی برای حمایت از استقرار قدرت سیاسی بر روی یک ناحیه مشخص ترکیب می‌شوند (Cohen, 2009: 148-149). این ترکیب راهی است که گروه‌های فرهنگی [و سیاسی] امکان می‌یابند تا به طور عمد هویتشان را روی چشم انداز اظهار کنند و به عبارت دیگر چشم انداز هویت نمادین می‌یابند. وطن (سرزمین‌های دارای گروه‌های فرهنگی با محیط زیست فیزیکی سازگار می‌شوند و محیط زیست آن از طریق تحت تأثیر قرار دادن فرهنگشان و ایجاد حس مکانی چشم انداز خودشان را در حال تغییر دادن هستند. در این حس وطن‌ها [یا

محیط‌های شهری] چشم اندازهایی هستند مملو از مفاهیمی است که گرایش‌ها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگ‌های در حال فعالیت را منعکس می‌کند. به طور آشکاری چنین چشم اندازهایی می‌توانند به مانند یک متن خوانده شوند (Norton, 2000: 290). فرآیند شکل‌گیری و تحول منظرهای ژئوپلیتیک همواره در مسیر درستی پیش نرفته است. تصویر سازی ژئوپلیتیکی و القاء تصاویر معماری شده از مکان، فضای جغرافیایی و سپهر اجتماعی آن به شهروندان یک نمونه از آن است: این رفتار به صورت پیدا و پنهان در راستای چشم داشت‌های سیاسی از سوی بازیگران به ویژه حکومت‌ها در مناسبات با کشورها، با مردم و شهروندان خود، مناسبات احزاب و بازیگران سیاسی اجتماعی برای اثر گذاری بر افکار عمومی کشورها دیده می‌شوند. نمودهای سیاسی این نوع رفتار از سوی بازیگران در شکل‌های تسلط بر مکان، فضا و منابع، حذف رقبا و به چالش کشاندن آنها، تصرف قدرت و تغییر در موازنه‌های قدرت سیاسی، ژئوپلیتیک و راهبردی، فریفتن شهروندان در فرآیندهای انتخاباتی، اتخاذ سیاست‌های ملی توسط حکومت‌ها و حتی تازش و اشغالگری نظامی به کشورهای دیگر در همه مقیاس‌های محلی، شهری، کشوری، منطقه‌ای و جهانی مشاهده می‌شوند. در فرآیند تصویر سازی ژئوپلیتیکی، تولید تصاویر معماری شده و به تعبیر دیگر، تصاویر جعلی و القاء کننده آنها به ذهن شهروندان و پذیراندن آنها و سرانجام مشروعیت و مقبولیت یافتن کنش بازیگران سیاسی در فضا و مکان جغرافیایی، نقش رسانه‌ها و هنرمندان بسیار مهم است، به گونه‌ای که حوزه سیاست و بازیگران سیاسی به خوبی از آنها بهره برداری و گاه بهره‌کشی می‌کنند و رسانه‌ها و هنرمندان در این راه برای بازیگران سیاسی اعم از حوزه حاکمیت و حوزه مخالفان، سربازان و یاوران خوبی به شمار می‌آیند. آنها برای توسعه مقبولت اجتماعی‌شان در سطوح داخلی و بین‌المللی به کارزار رسانه‌ای و هنری روی می‌آورند و آنگاه اهداف و چشم داشت‌های سیاسی خود را اجرا می‌کنند و بر فضا و مکان جغرافیایی اثر می‌گذارند (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳؛ ۶۷-۶۸).

معیارها و استانداردهای حاکم بر نظام نشانه‌ای شهر

نظام نشانه‌ای شهر در فرآیند شکل‌گیری خود متأثر از عوامل و پس زمینه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی حاکم بر بازیگران فضای شهر است. این گروه‌ها با توجه به منافع، ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول خود اقدام به ساخت نشانه‌ها می‌کنند و نشانه‌های در تعارض با آنها را حذف نموده یا بکار نمی‌گیرند و نظام نشانه‌ای شهر در گذر زمان متأثر از این معیارها و استانداردها که نقش صافی فیلتر را بر عهده دارد به تدریج و به شکل نامحسوس شکل می‌گیرد. با توجه به ارجحیت بهره‌وری بیشتر در معیارهای اقتصادی

بکارگیری معیارها و اعمال فیلتر در ایجاد نشانه‌های سیاسی - ایدئولوژیک، مذهبی و اجتماعی - فرهنگی از برجستگی بیشتری برخوردار است. این معیارها یا در قوانین نهادها و سازمان‌هایی چون شهرداری‌ها ذکر شده است و یا به طور پنهان از طریق گفتمان‌هایی اعمال می‌شود که قدرت و در نتیجه ابزار ساخت و حذف نشانه‌ها را تحت نفوذ دارند.

قانون اساسی کشورها، گذشته و میراث تاریخی و مذهبی، تعلق تمدنی و ارزش‌های ملی و حوادث و نقاط عطف تاریخ معاصر و ایدئولوژی جناح حاکم بر کشور یا فضای جغرافیایی - سیاسی و در نهایت گفتمان غالب سیاسی اجتماعی بر بازیگران فضای شهرها از مهمترین عوامل شکل دهنده به معیارها و استانداردهای حاکم در شکل‌گیری و تحول نظام نشانه‌های شهرها هستند، با تغییر در آنها؛ نظام نشانه‌های شهر نیز از نظر محتوا و شکل دچار دگرگونی خواهد شد. فرآیند حاکم بر ایجاد یا حذف نشانه‌ها بر اساس معیارهای حاکم ایستا و منحصر به یک لحظه خاص نبوده و در تمام مدت در حال انجام بوده و از پویایی زیادی برخوردار است.

مکانیسم فیلترینگ نشانه‌ها، در نشانه‌هایی مانند تصاویر بنرها، تابلوها و بیلوردهای تبلیغات تجاری، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، نقاشی‌های دیواری و آیکون‌ها که قابلیت اعمال تغییرات سریع در آنها وجود دارد سریع عمل کرده و در مورد نشانه‌هایی همانند برج‌ها و یادمان‌ها که به شکل نماد درآمده و در متن جامعه نهادینه شده‌اند و یا از لحاظ بعضی جنبه‌های کارکردی خود هنوز دارای توجیه هستند از سرعت کمتری برخوردار بوده و ممکن است دهه‌ها به طول بیانجامد.

گفتمان‌های حاکم بر فضای شهر

در فضای شهری همواره مجموعه‌ای از گفتمان‌ها حاکم هستند که در میان آنها یک گفتمان غالب بوده و به خرده گفتمان‌های دیگر شکل می‌دهد یا با گفتمان‌های متضاد به مبارزه مشغول می‌شود. معمولاً گفتمان غالب در فضای شهر ارتباط مستقیم با ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم داشته و به پشتوانه آن در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر نفوذ کرده و خرده گفتمان‌های این بخش‌ها را ساخته و هدایت می‌کند. گفتمان کلیدی تک بعدی نبوده و از اجزا و ابزاری برخوردار است که شامل بخش ایدئولوژیک و اندیشه‌ایی که شامل افکار، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های هم راستای گفتمان می‌شود، بخش سازمانی و نهادی چون ادارات که نخبگان برگزیده گفتمان به اداره آن مشغول‌اند و نقش ابزار پیش برد گفتمان را بر عهده دارند و بخش نیروی انسانی و متفکران و اندیشمندان که ارزش‌ها و مفاهیم گفتمانی را تقویت کرده و

باعث بقا و سازگاری و انعطاف گفتمان می‌شوند. در کل هیچ یک از سه بخش مذکور که توسط اوتوتایل (۲۰۰۳م) در قالب تحلیل گفتمان انتقادی ژئوپلیتیک تجزیه و تحلیل شده‌اند جایگاه برتری ندارند و هر سه بخش در چرخه گفتمانی گیر افتاده‌اند که تغییر و تحول گفتمان وابسته به تغییرات در هر کدام از این بخش‌ها است (Ó Tuathail and Others, 2003: 8-11)

عوامل مؤثر در کارکرد (مزایا و کاستی‌های) نمادها

برای تبدیل یک بنا یا نشانه شهری به نماد و نیز میزان توانایی آن در رابطه با حفظ این نقش و نیز جامعیت و همه‌گیری آن برای پوشش دادن گفتمان‌های مختلف در جامعه و توانایی انعطاف آن در رابطه با این دگرگونی‌ها و برآورده کردن منافع و اهداف بازیگران سیاسی، یک نماد باید از ویژگی‌های مختلفی برخوردار باشد که باید به آنها توجه گردد چرا که عملکرد آن بستگی به این ویژگی‌ها دارد. در جدول زیر برخی از ویژگی‌هایی که بود یا نبود آنها نقش اساسی در موفقیت و دوام یک نشانه به عنوان نماد و یا حذف و فراموشی آن در فضای شهر و اذهان شهروندان دارند، تشریح شده است. در کل هر نمادی هرچقدر بیشتر ویژگی‌های ذکر شده در جدول را داشته باشد آن نماد قویتر، پویاتر، سازگارتر و نامیراتر خواهد بود و بالعکس.

جدول ۱- عوامل مؤثر در کارکرد (مزایا و کاستی‌های) نمادها

میزان نمایانی	میزان نمایانی (Lynch, 2005) بستگی به مشخصات فیزیکی بنا از جمله ارتفاع و موقعیت استقرار بنا دارد و اینکه تا چه میزان در بطن روابط و جریان‌های فضایی حاکم بر سطح شهر قرار دارد.
قابلیت دید راهبردی	قابلیت دید راهبردی (Pourjafar, 2010) به میزان دیده شدن یک بنا یا نماد از محورهای عمده ارتباطی و خیابان‌های اصلی شهر و نیز میزان این قابلیت نسبت به نقاط چهارگانه جغرافیایی دارد که حس جهت یابی در شهر را نیز تقویت می‌کند و در شهرهای مسطح که دارای عوارض خاص طبیعی یا انسانی نیستند حائز اهمیت فراوان است.
موقعیت گره‌ایی (کانون ارتباطی عمده-دسترسی)	موقعیت گره‌ایی (Lynch, 2005) اشاره بر موقعیت قرارگیری نماد یا بنا در میادین اصلی، چهارراه‌ها یا پایانه‌های اصلی اتوبوسرانی و ترمینال‌های مسافرتی و فرودگاه‌ها دارد و در آن میزان دسترسی و نیز سهولت دسترسی شهروندان به مکان قرارگیری نماد حائز اهمیت است.
ویژگی‌های معماری (نشانه‌های هویتی)	ویژگی‌های معماری در نمادها اشاره به میزان استفاده از نشانه‌های معماری دارد که ریشه در تاریخ و فرهنگ آن جامعه دارد و افراد آن جامعه با مشاهده آنها نسبت به آن احساس تعلق کنند یا به واسطه این نشانه‌های معماری و هویتی پیام‌های ویژه‌ای را از آن درک کنند که سازندگان این نمادها از آن انتظار دارند.

ادامه جدول ۱

این کارکرد اشاره بر سابقه تاریخی نماد و میزان نقش آفرینی آن در دوره‌های مختلف تاریخی دارد به طوری که قرار گرفتن نماد در دوره‌های مختلف تاریخی در بطن تحولات سیاسی اجتماعی و اقتصادی جامعه خود بخود به آن اهمیت تاریخی و سیاسی اجتماعی می‌دهد و میزان انعطاف آن را نیز در مقابل دگرگونی‌های آتی جامعه افزایش می‌دهد.	کارکرد ادراکی سیاسی-اجتماعی (سابقه تاریخی)
این توانایی بر میزان انعطاف پذیری یک نماد در قرار گیری در بطن تحولات سیاسی اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی دارد که باز به ویژگی‌های کارکردی دیگری چون عامل نمایانی، دسترسی و میزان ادراک سیاسی اجتماعی جامعه نسبت به آن بستگی دارد.	توانایی انطباق با دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی
این توانایی وابسته به میزان مزیت‌های بنای یادبودی یا نماد در ویژگی‌ها و کارکردهای دیگرش از جمله ویژگی‌های معماری، میزان نمایانی و دسترسی، کارکرد ادراکی سیاسی-اجتماعی و اقتصادی و توانایی انطباق با دگرگونی‌های سیاسی اجتماعی جامعه دارد و به هر میزان یک نماد از این ویژگی‌ها بیشتر برخوردار باشد توانایی نقش آفرینی آن در فرآیندهای سیاسی اجتماعی نیز برجسته‌تر خواهد بود.	توانایی نقش آفرینی در فرآیندهای سیاسی-اجتماعی
این کارکرد اشاره به میزان نقش و کارکرد اقتصادی و تجاری دارد که در داخل نماد یا حول آن انجام می‌گیرد. با توجه به هرچه ماهیت اقتصادی و تجاری یافتن جامعه امروز توانایی کارکردی نمادها در این نقش مزیت‌های ویژه‌ای به آن در کنار کارکردهای دیگر نمادینی که اشاره شد به نماد یا بنای یادمانی می‌دهد.	کارکرد اقتصادی

کارکرد (فلسفه) های سیاسی نشانه‌های شهری

اعمال و القاء سلطه (رمزگذاری منافع اساسی قدرتمندان)

نشانه‌های شهری در ماهیت خود دارای ویژگی‌هایی هستند که از آنها می‌توان در راستای اهداف سیاسی بهره برد. با ساخت نشانه‌های مربوط به یک تفکر و گفتمان خاص روی یک نماد، برج یا بنای یادبودی می‌توان از یک نظام نشانه‌ای تا حدودی همانند یک صفحه نمایش استفاده کرد که پیام‌ها را منتقل می‌کند پیام‌هایی که در راستای برطرف کردن اهداف و منافع بازیگران مسلط یا رقباء رمزگذاری شده‌اند و به میزان مناسب با ارزش‌ها و فرهنگ و تاریخ جامعه ارتباط پیدا می‌کنند که توسط جامعه هدف به سادگی رمزگشایی شوند. این رمزگذاری عمدتاً آنقدر ظریف است که شهروندان در نگاه اول هیچ گونه برداشتی نسبت به نیت سازندگان آن ندارند و تکرار این نشانه‌ها که در نظام نشانه‌ای شهر توسط گفتمان و بازیگر مسلط تعبیه شده‌اند (انباشت رمزهای هم راستا در داخل نظام نشانه‌ای شهر همانند یک اعلامیه عمومی

قدرتمند) در نهایت افکار جامعه هدف را در راستای خواسته‌های سازندگان هدایت می‌کند. باید توجه کرد که شکست در این امر نیز به همان نسبت نتایج منفی را به همراه خواهد داشت.

۵-۷-۲- مشروعیت دهی به ساختار سلسله مراتبی قدرت

رمزگذاری در نظام نشانه‌ای شهر همواره به صورتی است که در راستای تأیید رفتار و موجودیت ساختار قدرت حاکم باشد و مشروعیت آن را که لازمه بقاء آن است تأمین کند. لذا همواره نمادهای عمده و نیز مکان‌های یادبودی اصلی شهر در راستای نیل به این هدف رمزگذاری می‌شوند و چنان حالت مقدسی به آنها داده می‌شود که کمتر می‌تواند توسط بازیگران دیگر فضای شهری به صورت علنی به چالش کشیده شود. اصولاً در نظام‌های ایدئولوژیک، ستون فقرات نظام نشانه‌ای شهرها بخصوص پایتخت‌های سیاسی یا شهرهای بزرگ همواره در راستای مشروعیت‌دهی به ساختار قدرت حاکم شکل داده می‌شود و ایدئولوژی سیاسی و مذهبی نظام حاکم نقش پررنگی در ساخت آنها بر عهده دارد.

نظم دهی (کنترل) افکار سیاسی و ایدئولوژیک شهروندان

هدف غایی نشانه‌ها در شهرها نظم دهی و کنترل افکار سیاسی شهروندان است چرا که در نهایت میزان دست یافتن به این هدف همانند معیاری برای موفقیت یا شکست این مأموریت عمل می‌کند. دست یافتن به این هدف منحصر به ساخت نشانه‌ها نبوده و از طیف وسیعی از ارزش‌های سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی شهروندان برای رسیدن به آن استفاده می‌شود که در نهایت چینی‌ش یا رمز گذاری دقیق آنها در نظام نشانه‌ای شهر و قابلیت تغییر و دگرگونی آن همگام با تغییرات سیاسی و اجتماعی دوره ای، میزان موفقیت و توانایی و اثرگذاری آن را مشخص خواهد کرد.

انتقال پیام‌های بازیگران سیاسی

این کارکرد اصلی توسط نمادها و نشانه‌هایی نظیر برج‌ها، مجسمه‌ها، بناهای یادبودی، کالبد کلی شهر، فضاهای عمومی گره گاهی چون میدان‌ها و بیلبوردهای تبلیغاتی، گرافتی‌ها، نقاشی‌ها و در کل آیکن‌ها به انجام می‌رسد. بازیگران شهر برای مکان‌گزینی نشانه‌ها از نقاط مهم شهر که بیشترین میزان فعالیت عمومی شهروندان در آن اتفاق می‌افتد استفاده می‌کنند که نقاط گره‌گاهی چون میدان‌ها و چهارراه‌ها و یا مکان‌هایی که فعالیت‌های اصلی شهر در آن جاری است نظیر بازارها و خیابان‌های اصلی شهر استفاده می‌کنند چرا که به این طریق می‌توانند پیام خود را به بیشترین تعداد از شهروندان در کوتاه‌ترین زمان ممکن منتقل کنند.

ساخت نظام ارزشی حاکم در بازه‌های زمانی مختلف همانند؛ انتخابات، بحران‌های سیاسی و زیست

محیطی و ...

اهمیت نظم دهی اذهان شهروندان و کنترل آنها در بازه‌های زمانی همچون انتخابات، بحران‌های سیاسی و ... نمایان می‌شود. در واقع در طول دوره‌های زمانی مختلف و با در نظر گرفتن اهداف بازیگر مسلط یک سری نشانه‌های موقت در نظام نشانه‌ای شهر تعبیه می‌شود (رمزگذاری) که برطرف کننده خواسته‌های بازیگر مسلط در یک بازه زمانی مشخص است و بدین ترتیب از نابهنجاری و اغتشاش اذهان شهروندان جلوگیری شده و فضای سیاسی و اجتماعی جامعه کنترل می‌شود. آیکون‌ها بیشترین نقش را در این امر برعهده دارند چرا که با توجه به ماهیت خود از قابلیت تغییر و دگرگونی سریع برخوردارند. در مقیاس بزرگ‌تر یا بازه‌های زمانی طولانی این وظیفه بر عهده نمادها و ساختار اصلی نظام نشانه‌ای شهر گذاشته می‌شود.

تسهیل اهداف و منافع نیروهای اقتصاد-سیاسی

شهرهای بزرگ بستر اصلی فعالیت نیروهای اقتصاد-سیاسی بوده و اینها از عوامل مهم در تغییر دادن فضاهای شهر به شمار می‌روند. همانگونه که نیروهای اقتصادی از طریق عوامل سیاسی گلوگاه‌های سیاسی و مالی را کنترل می‌کنند این دو در ارتباط با هم ولی نه قطعاً، نظام نشانه‌ای شهر را نیز شکل می‌دهند. در این راستا بازیگران سیاسی و نیروهای اقتصادی ابتدا متأثر از اهداف و ایدئولوژی حکومت عناصر و نشانه‌های بازنمایی کننده یک ارزش را از ساختمان‌های بلندمرتبه گرفته تا نشانه‌های ارجاع دهنده به یک ارزش تاریخی یا معاصر را در یک مکان گرد هم می‌آورند و از طریق دستگاه تبلیغاتی خود برای آن سرمایه نمادین انباشته و به طور موازی به ایجاد، متمرکز کردن و تعبیه جریان‌های فضایی سیاسی و مالی-تجاری ویژه در آن اقدام می‌کنند که به طور مضاعف بر سرمایه نمادین آن مکان افزوده و به طور متعاقب توجه دیگر نیروهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی-تجاری فعال را به خود جلب می‌کنند و با تمایل آنها به مشارکت در آن ارزش افزوده مکان بالا رفته و شروع به سود دادن نموده و این مکان تبدیل به کالایی ارزشمند می‌شود که برای تصرف آن رقابت به وجود می‌آید و خود این رقابت در مکانی که نشانه‌های هویتی، تاریخی و ارزش‌های ایدئولوژی حکومت در آن متمرکز است به مهمترین رسانه بازنمایی کننده ایدئولوژی حکومت یا گفتمان غالب تبدیل می‌شود که اهداف نیروی سیاسی-اقتصادی مسلط را برآورده می‌کند.

کارکردهای عمومی نمادها

شکل دادن به رفتار مطلوب و بهنجار اجتماعی و ...

اثر گذاری بر ذهن شهروندان

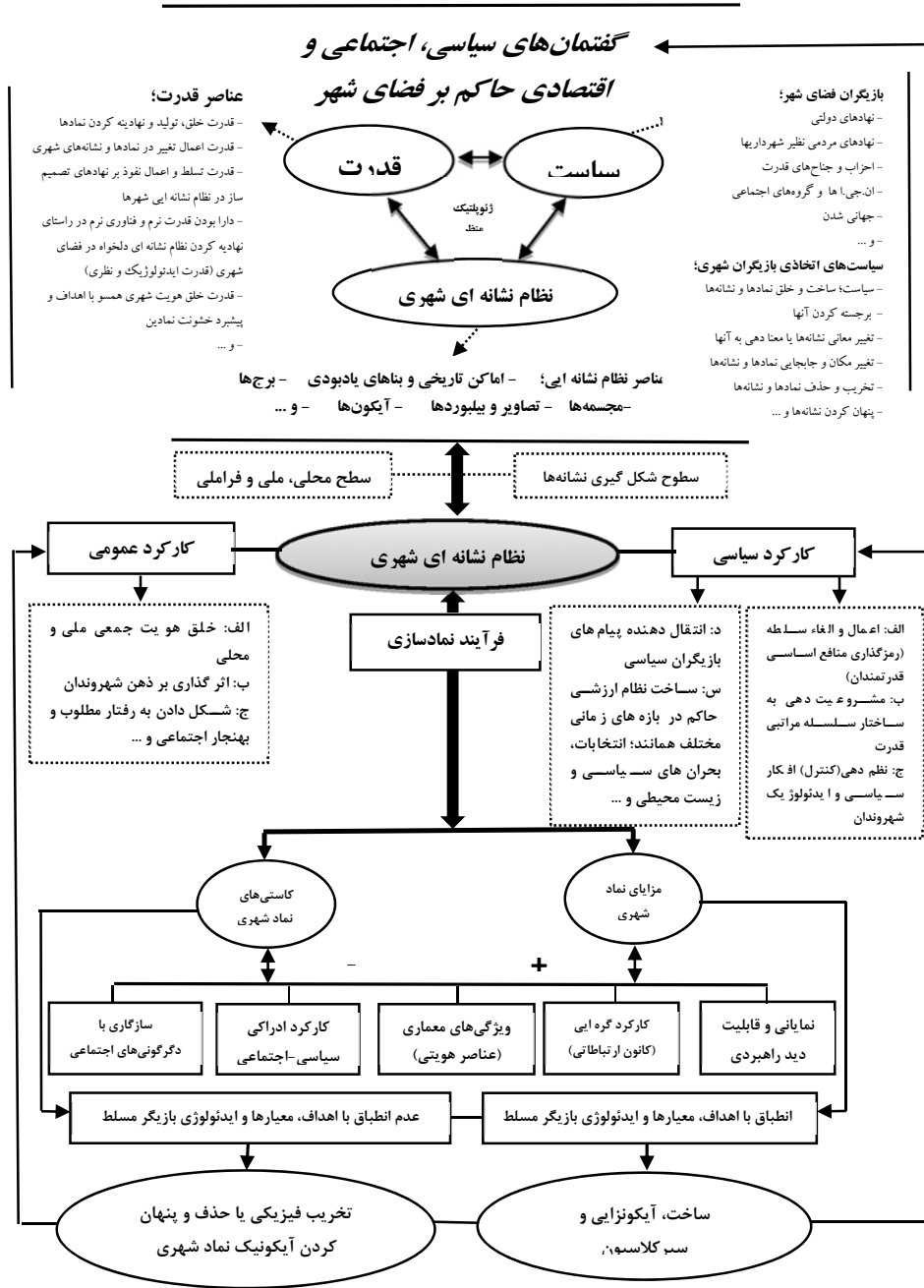
خلق هویت جمعی محلی و ملی

مدل ژئوپلیتیک منظر شهری

در مدل زیر مکانیسمی که بر طبق آن گفتمان‌ها در نظام نشانه‌های شهرها باعث ایجاد تغییر می‌شوند نشان داده شده است که انطباق با اهداف ایدئولوژی بازیگر یا گفتمان مسلط یا عدم انطباق با آن نقش عمده‌ای در ساخت، آیکونزایی و سیرکلاسیون یا پخش نشانه‌ها و نمادها یا بالعکس حذف، پنهان کردن آیکونیک یا تخریب فیزیکی نمادها و نشانه‌های نظام نشانه‌ای شهر دارد. معیار انطباق یا عدم انطباق فوق‌الذکر تا حدودی نسبی است و عوامل دیگر چون نمایانی و قابلیت دید راهبردی، کارکرد گرهایی و قرار داشتن در کانون ارتباطی ویژگی‌های معماری یا عناصر هویتی بکار رفته در نماد یا نشانه، دارای بودن کارکرد ادراکی سیاسی-اجتماعی و توانایی سازگاری با دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش تأثیر گذاری در سرنوشت یک نماد و نشانه در فضای متحول شهر بازی می‌کند.

شهر کردنشین دیاربکر در منطقه جنوب شرقی کشور ترکیه را می‌توان به عنوان یکی از بارزترین نمونه‌های شکل‌گیری یک منظر ژئوپلیتیک شهری در نظر گرفت که در آن گروه‌های مختلف سیاسی و نهادهای نظام حاکم بر سر سلطه بر منظرهای شهری و رمزگذاری آن بر طبق منافع و اهداف خود مبارزه می‌کنند.

در طول اوایل دوره جمهوری، کشور ترکیه همانند بسیاری از حکومت-ملت‌های جدید و دولت‌های پسا استعماری، معماری مدرن و شهرگرایی را به عنوان شکل جدیدی از بیان قبول کرد. در این دوره استقلال ملی به معنای در آغوش گرفتن یک تصویر بسته از ایده‌آل‌های سیاسی "مترقی" معنی می‌داد. تا میانه دهه ۱۹۳۰، مانند هر جای دیگر در اروپا، در ترکیه این در آغوش گرفتن اولیه مدرنیته توسط تأکید فراوان روی ملی‌گرایی و در نتیجه به وسیله بالا رفتن متعاقب ترکی‌گرایی و تأثیر روی معماری جایگزین شد. با این وجود، توسعه چنین شیوه‌های هماهنگی از ترکی‌گرایی وابسته به شرایط سیاسی اروپا در اواخر دهه ۱۹۳۰ م بود.



شکل ۵- مدل ژئوپلیتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری

همچنین توسعه چنین اعمال یکپارچه‌ایی از ترکی‌گرایی بستگی به افزایش شمار شورش‌های کردها در جنوب شرق کشور داشت که نتیجه آن، تغییر از معماری مدرن به معماری ملی‌گرا بود. افزایش ملی‌گرایی بیشتر در گسترش عکس‌ها و نمادهایی از مصطفی کمال آتاتورک، بنیانگذار جمهوری ترکیه نمایان بود. در آغاز در اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ م. (به ویژه بعد از مرگ آتاتورک در سال ۱۹۳۸ م.) یادبودها، مجسمه‌های نیم تنه و مجسمه‌های سوار بر اسب آتاتورک و همراه با لوح‌های فلزی که القاب او روی آنها توصیف شده بود به طور گسترده‌ایی در شهرهای ترکیه دیده می‌شد. علاوه بر آن یادبودهای جدیدی نیز وجود داشت که در طول فضای ملی‌گرایی جدید برای تغییر اسامی خیابان‌ها و بلوارها به اسم آتاتورک، قاضی (کهنه سرباز) یا جمهوریت رایج شده بود. این شیوه معماری و شهرسازی هنور تأثیرش در دیاربکر واضح و گسترده است. با این وجود برخلاف دیگر شهرها در ترکیه مجسمه‌های آتاتورک زیاد در دیاربکر امروزی رایج نیستند و در این شهر با هیچ یک از شعارهای ناسیونالیسم ترکی روبرو نخواهید شد. یکی از دلایل آن فعالیت‌های شهردارها و مقامات رسمی حزب کارگران کردستان است که به دنبال تبدیل فضای شهری به معانی ساختاری هویت کردی هستند. این پاک شدن اجباری عناصر ملی‌گرایی ترکی از فضای شهری فرآیندی است که ملی‌گرایی زدایی از شهر نامیده می‌شود. به محض پایان این فرآیند، ملی‌گرایی زایی دوباره (ملی‌گرایی زایی کردی) در شهر شروع می‌شود.

حذف نمادهای ملی‌گرایی ترکی از فضای شهر همیشه به صورت آرام صورت نگرفته است به طوری که منازعات زیادی بین شهرداران، مدیران منصوبی حکومت و قانون‌های حکومت در گرفته است. بارها شهرداران محلی و طرفداران حزب کردی فشارهای اداری و حقوقی-فضایی را بر ملا کرده‌اند. گهگاه مدیرانی از حزب‌های کردی و فعالان کردی به خاطر فعالیت‌هایشان دادگاهی، جریمه و حتی به زندان افتاده‌اند. با این وجود بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۱ م. شهرداران طرفدار کردها که به طور مداوم و هدفدار استخدام شده بودند، فضای شهری را برای ترویج ویژگی‌های کردگرایی دستکاری می‌کردند. به ویژه در سال ۲۰۰۴ م. به دنبال اجرای "قانون ادارات محلی" جدید، شهرداری‌های طرفدار کردها به همان نسبت دیگر شهرداری‌ها در ترکیه دسترسی بیشتری برای منابعی که آنها برای دخالت در قلمرو عمومی نیاز داشتند بدست آوردند. در نتیجه در شهر دیاربکر امروزی تنها اعلامیه عمومی از یکی از مشهورترین سخنان آتاتورک یعنی "چه خوشبخت است کسی که بگوید من تورک هستم" توسط یک درخت تزئینی بزرگ پوشانده شده است (Guvenc, 2011: 29).

نتیجه گیری

عملکرد قدرت و سیاست در نظام نشانه‌های شهرها ما را در راستای تبیین مفهوم ژئوپلیتیک منظر رهنمون می‌کند. سیاست اعمالی گروه‌های مختلف در فضای شهری متأثر از میزان قدرتی است که آنها دارند. قدرت آنها در سطح شهر از منابع و نظام‌های نشانه‌ای متنوعی ناشی می‌شود که از سطح محلی تا سطح ملی و فراملی گرفته شده و از ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تاریخی برخوردار است. هر گروهی با توجه به عقبه ایدئولوژیک خود و میزان انطباق فکری و ایدئولوژیک خود در اهداف و منافع با ایدئولوژی نظام حاکم بر فضای شهر میزان توانایی متفاوتی در استفاده از این سطوح و ابعاد دارد. همچنین میزان آزادی آنها در بکارگیری نشانه‌ها و در دستکاری در نظام نشانه‌ای و مناظر شهری به میزان قدرت و نیز نهادهای تصمیم ساز و اجرایی که بازیگر تحت سلطه خود دارد، بستگی خواهد داشت.

نشانه‌ها و نمادهای شهری بخشی از ابزاری در دست عوامل و نیروهای فعال فضای شهری برای خلق گفتمان‌های همسو با منافع و علائق آنها است. این فعالان عرصه شهر در درون گفتمان‌های خود عمل می‌کنند و هرچه گفتمانشان قوی‌تر باشد تاثیرگذاری آنها نیز بیشتر خواهد بود. عقبه ایدئولوژیک و تاریخی، قانون اساسی کشورها، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، منافع و علائق گروه‌ها و گفتمان‌های وابسته به آنها و ... معیارها و استانداردهایی را برای آنها در راستای اعمال تغییرات در نظام نشانه‌ای و نمادهای شهری برای آنها فراهم می‌کنند، تغییراتی که به شکل ساخت یا تخریب نمادها، حذف یا پنهان کردن آنها یا جابجایی و تغییر کاربری آنها انجام می‌شود. همه این فرایندها در راستای اعمال کارکرد مناسب برای نظام نشانه‌ای و نمادهای شهری یا اصلاح کارکرد آنها و رفع نابهنجاری انجام می‌گیرد.

کشورها و واکنش‌ها، عناصر و عوامل و ساختارها و فرایندهای فوق در فضای شهری میدانی از روابط قدرت در قالب تعامل و همکاری و تقابل و منازعه و رقابت و کشمکش میان گروه‌های شهری بر سر منابع کمیاب را که در اینجا اشغال فضاهای مطلوب برای استقرار نشانه‌ها و نمادها یا ساخت و نمایش نشانه و نماد مربوط به گفتمان خود می‌باشد، به وجود می‌آورد و باعث بروز «جنگ نشانه‌ها و آیکون‌ها» در میان بازیگران با منافع متعارض در فضای شهری می‌شود، میدانی از روابط قدرت که ناشی از روابط متقابل نظام نشانه‌ای شهر و سیاست‌های اتخاذی بازیگران است و اجازه می‌دهد تا مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهری به آن اطلاق شود.

بنابراین، ژئوپلیتیک منظر معرف فرایندی است که بر مبنای آن، گفتمان مسلط برای کنترل و مدیریت فضای شهر در راستای نظم سیاسی و ژئوپلیتیکی خود به خلق منظرهایی می‌پردازد که در آن اعمال رقابت برای کنترل فضای شهری تابعی از روابط قدرت، فضا و سیاست است. در ژئوپلیتیک منظر شیوه تصویرسازی شهر توسط صاحبان قدرت شهری، شیوه‌های دسترسی، مدیریت، تنظیم تعاملات شهری، مرزبندی فضای شهر، مرز تعاملات دولت و نهادهای غیر دولتی تعیین می‌شود.

قدردانی و تشکر

با توجه به مستخرج بودن مقاله حاضر از بخش نظری ر ساله دکتری با همین عنوان، لازم می‌دانیم از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس بخاطر فراهم آوردن شرایط انجام این پژوهش کمال قدردانی و تشکر را داشته باشیم.

کتابنامه

1. Alvarez, Jacobo Garcia, Places, Landscapes and Policies of Memory: A Geographic Lecture, Boletín de la A.G.E. No 51 – 2009, pages 405-409.
2. Ashfaq, Mariam, Government sponsored monuments at tools of communication and their significance in the urban landscape of Karachi, 2013, Indus Valley School and Architecture,
3. Benko, Georges and ULF Strohmayer (1997). Space & social Theory, London, Blackwell Publishers Lid.
4. Bourdieu, Pierre, The Social Space and the Genesis of Groups, Theory and Society, Vol. 14, No. 6. (Nov., 1985). pp. 723-744.
5. Cohen, Irit Amit, Contested Landscape and Spirit of Place: The Case of the Olive Trees and Urban Neighborhood in Israel, Revijazageografijo - Journal for Geography, 4-1, 2009, pp 147-162.
6. Czepczynski, Mariusz (2008). Cultural Landscapes of Post-Socialist Cities Representation of Powers and Needs, Poland, Ashgate Publishing Company.
7. Czepczyński, Mariusz, Interpreting post-socialist icons: from pride and hate towards disappearance and/or assimilation, Human Geographies. (2010) 4.1, 67-78.
8. Davarpanah, Afshin. (2012). An Introduction to the management and use of symbols and signs in urban space , Tehran, Institute of Culture, Art and Architecture. [In Persian]
9. De Frantz, Monika, From Cultural Regeneration to Discursive Governance: Constructing the Flagship of the 'Museumsquartier Vienna' as a Plural Symbol of Change, International Journal of Urban and Regional Research, Published by Blackwell Publishing, March 2005, Volume 29.1, pp 50-66.

10. Dovey, Kim, Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's 'Path to Democracy', *Journal of Urban Design*, 2001, Vol. 6, No. 3, 265-282.
11. Guvenc, muna, constructing narratives of Kurdish nationalism in the urban space of diyarbakır, Turkey, *TDSR*, 2011, volume xxiii, number 23.1, pp 25-40.
12. Hafeznia, Mohammadreza and Morad Kaviani Rad. (2014). *Philosophia of Political Geography*, Tehran, Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
13. Jacobs, A.J, Political Power, Collective Memory, and American Central Cities: The Discourses of the Conservative Elite's Counter-Memory of the City, *The Open Urban Studies Journal*, 2008, 1, 25-34.
14. Kevin Andrew Lynch. (2005). *The Image of the City*, translated by Manouchehr Macini, Tehran, Tehran University Publications. [In Persian]
15. Light, Duncan and Craig Young, Reconfiguring Socialist Urban Landscapes: The 'Left- journal of Studies and Research in Human Geography. (2010) 4.1, 5-16.
16. Mitchell, M.(2000), *Cultural Geography. A Critical Introduction*, Blackwell, Oxford.
17. Monnet, Jérôme, "The Geopolitics of Visibility: Urban Icons in Contemporary Mexico City". In: Ethington, Philip J. & SCHWARTZ, Vanessa R (eds.). *Atlas of Urban Icons: Studies in Urban Visual History. Multimedia Companion to Special Issue of Urban History*, May 2006, vol. 33, N°1 (Cambridge University Press)
18. Norton, William (2000). *Cultural Geography themes, concepts, Analyses*, Canada, Oxford University Press.
19. Ó Tuathail, Gearóid and Simon Dalby (2002). *Rethinking Geopolitics*, published in the USA and Canada by Routledge. (Doddy, Klaus, Enframing Bosnia The geopolitical iconography of Steve Bell,).
20. Ó Tuathail, Gearóid, Simon Dalby and Paul Routledge (2003). *The Geopolitics Reader*, London and New York, published in the Taylor & Francis e-Library.
21. Pecquet, Amy Elizabeth (2001). *Signs Sense: Exploring Signs in Urban Place Making*, Master Degree of Landscape Architecture, Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College, Louisiana, U.S.America.
22. Pourjafar, Mohammadreza and Mahdi MontazerAlhejeh. (2011). *Urban Symptoms: Definitions, Typology, Positioning, planning and design*, Tehran, Helleh. [In Persian]
23. Salehizadeh, Abdolhadi. (2012). Introduction to Michel Foucault's discourse analysis, *Qualitative Research Methods, Socio-Cultural Knowledge Journal*, Tehran, No 3, pp 113-141. [In Persian]
24. Santrauka, The Notion of Power in the Theories of Bourdieu, Foucault and Baudrillard (Galiossāvoka Bourdieu, Foucault irBaudrillardoteorijose). *Sociologija. Mintisirveiksmas* 2002/2, ISSN 1392-3358, pp 118-124.
25. Stahl, Geoff,"Urban Signs/Signs of the Urban", *Culture Unbound*, Volume 1, 2009: 249–262. Hosted by Linköping University Electronic Press: <http://www.cultureunbound.ep.liu.se>.

26. Vannieuwenhuyze, Karen, Using and Producing Urban Political Space: J.F. Loos in formal and informal 19th-century Antwerp, paper International Conference Political History, Leiden, 4-6 September 2014.
27. Wydra, Harald, the Power of Symbols—Communism and Beyond, *Int J Polit Cult Soc* (2012) 25:49–69. (Published online: 30 December 2011, #Springer Science+Business Media, LLC 2011).